

بررسی تعداد انبیا از منظر قرآن و احادیث

صفدر آزادی^۱

چکیده

خداوند، انسان را با نیروی خردورزی و ارسال پیامبران به سوی رشد و کمال نهایی هدایت فرمود. هدایتگری انسان با خلقت حضرت آدم آغاز شد و بدین منظور تا دوران حضرت خاتم^ﷺ انبیای فراوان آمده‌اند. همه اقوام و ملل، پیامبر داشته‌اند و تعدد انبیا در روایات به صورت‌های مختلف نقل شده است. روایتی است که تعداد پیامبران الهی را ۱۲۴ هزار معرفی می‌کند؛ اما آیات قرآن به صورت مطلق و بدون بیان تعداد و کمیتشان است. به خاطر خلأ پژوهشی در این زمینه، ضروری می‌نمود که درباره این موضوع بحث می‌شد تا با بررسی آیات و روایات به یک نتیجه مشخص دست یافته شود. این نوشتار، نخستین کار در این زمینه است که پس از تقسیم احادیث، به دو دسته حصر و عدم حصر تعداد انبیا، آنها را بررسی کرده و با آیات قرآن مقایسه نموده است. در پایان نیز به ترجیح حدیث ۱۲۴ هزار پیامبر بر سایر روایات و به عنوان تفصیل نسبت به اجمال آیات «عدم تعیین تعداد انبیا» دست یافته است.

کلیدواژه‌ها: نبی، رسول، رسالت، تعدد انبیا.

۱. مقدمه

شگگی نیست که طبق مسلمات تاریخ، به خصوص بر اساس آیات و روایات، خدای مهربان، همواره پیامبران متعددی را از میان انسان‌ها برگزیده است تا بندگان خاکی اش را از وادی سوزان جهالت و گم‌راهی، به گلستان معرفت و سعادت رهنمون شود و جان‌های آلوده از غبار شرک و الحاد را با دستان توانمند نبوی در چشمه زلال وحی، تطهیر نماید و افق برین و ابواب دانش قدسی را برای آنها بگشاید. خداوند بر اساس رحمت و الطاف بی‌کرانش همواره بر بندگان منت نهاد و پاک‌ترین و مقدس‌ترین انسان‌ها را در جوامع

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱.

۱. کارشناسی ارشد (safdar.azadi@gmail.com)

بشری مبعوث گردانید تا گنجینه‌های نهفته در درون جان آدمی را به منصه ظهور برساند. این فرایند، از دوران آدم علیه السلام شروع شد تا عصر حضرت خاتم صلوات الله علیه ادامه یافت.^۱ آنچه مسلم است در این میان، هزاران سال سپری شده است که طبعاً لازمه آن، کثرت تعداد پیام‌رسانان الهی است که آمده‌اند. آیه الله مکارم شیرازی در این خصوص می‌فرماید: «علی آیه حال استفاد من مجموع ما قیل أنّ عدد انبیاء الله و رسله و علی طول التاریخ کان کبیراً جداً» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۳۰۰/۷)؛ به هر حال، از مجموع آنچه که گفته شد، استفاده می‌شود که عدد پیامبران و رسولان الهی با توجه به تاریخ طولانی، واقعاً بسیار زیاد بوده است. به خصوص وقتی به متون روایی، برخی آیات قرآن و اظهارات برخی اندیشمندان معتبر تاریخی مراجعه کنیم، این ادعا به اثبات می‌رسد.

۱-۱. سوالات پژوهش

حال این سؤال مطرح است که: با توجه به وفور انبیا، آیا تعداد آنان (اعم از نبی یا رسول، اولوا العزم یا غیر اولوا العزم) مشخص است یا نامشخص؟ در صورت مشخص بودن، دقیقاً چند نفر بوده‌اند؟ آیا منحصر به همان عدد معروف ۱۲۴ هزار بودند یا اعداد دیگری نیز در میان است؟

۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

پاسخ به این سؤالات، از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا پیامبران، انسان‌های ممتاز و معلّمان مقدّس و شخصیت‌های اخلاق‌محوری بوده‌اند که در راستای ایجاد و شکل‌گیری اصلاح و پیشبرد فرهنگ، تمدن، اخلاق و عقلانیت جامعه بشری به پا خواستند. لذا ذکر یاد و نام آنها، به مثابه یادآوری سخن و سکوت، اندیشه و انگیزه و رفتار و سیره

۱. فبعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیاءه لیستادوهم میثاق فطرته و یذکروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یثیروا لهم دفائن العقول و یروهم آیات المقدره؛ خداوند، پیامبرانش را در میان آنها مبعوث کرد و رسولان خود را پی در پی به سوی مردم فرستاد تا پیمان فطرت را از آنها مطالبه کنند و نعمت‌های فراموش‌شده الهی را به آنان یادآوری نمایند و با ابلاغ دستوره‌های او حجّت را بر آنها تمام کنند و گنج‌های پنهانی عقل‌ها را برای آنها آشکار سازند و آیات قدرت خدا را به آنها نشان دهند (نهج البلاغه، خطبه اول).

انسان‌ساز آنان است. پس ضرورت تحقیق و تدقیق در این مورد، نه تنها کم‌تر از جستجو در مورد ادیان مرده و ابتدایی ماقبل تاریخ - که از لحاظ عملی، امروزه هیچ‌گونه کارکردی ندارد - نیست، بلکه ممکن است به دلیل نقش تربیتی آن، از پژوهشی راجع به ادیان مزبور برای جامعه انسانی و دینی، ارزنده‌تر و سرنوشت‌سازتر باشد. علاوه بر این، کم‌ترین کارکرد این تحقیق، اولاً بررسی دقیق‌تر آیات و روایات نسبت به تعداد انبیای ادیان الهی است و ثانیاً ایجاد انگیزه برای محقق و علاقه‌مند به این بحث به منظور کاوش دقیق و در نهایت، کسب دستاوردهای جدید در این زمینه است.

۳-۱. پیشینه پژوهش

هر چند که این موضوع در مباحث کلامی (مثل: مقدس اردبیلی، ۱۴۱۹: ۴۲۱؛ عسکری، ۱۳۶۸: ۵۶۷/۲)، تاریخی (مانند: ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۹) و تفسیری (مثل: طباطبایی، بی‌تا: ۲، مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۷؛ طوسی، بی‌تا: ۹) به طور اجمال، گذرا و پراکنده مطرح شده است - که قطعاً کافی و وافی نیست -، از این رو نوشتار حاضر، به منظور جمع‌آوری مطالب پراکنده، ناکافی و احیاناً نامربوط به هم در کتاب‌های مختلف، نظم و نسق دادن به آنها، تبیین آنان فقط از زاویه آیات و روایات و مقایسه آنها با هم و نتیجه‌گیری نهایی از آنان تدوین شده است، لذا این تحقیق از این لحاظ، یک بحث جدید به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، این مقاله را می‌توان بحث مقایسه‌ای میان آیات و روایات در این موضوع و نتیجه‌گرفتن از آن را نوعی نوآوری این مقاله قلمداد کرد که در هیچ مقاله یا کتاب به طور مستقل به این شکل، بحث نشده است. بدین جهت این نوشتار، عزم آن را دارد که این مسئله را از منظر روایات و آیات قرآن در دو بخش مجزاً (یعنی مشخص بودن عدد انبیا و عدم معین و به صورت مطلق طرح شدن آن در قرآن و احادیث) پی‌گیرد.

۴-۱. ادبیات پژوهش

۴-۱-۱. معنای نبی

نبی از ریشهٔ نبوه و نباوه به معنای زمین مرتفع (طریحی، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۰۳؛ ر. ک: شرتونی، بی‌تا: ماده «نبأ»؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۲۸۳)، از ریشهٔ نبأ، نبأ، ینبأ، به معنای خبر (خلیل بن



احمد، ۱۴۰۹: ۳۸۲/۸؛ راغب اصفهانی، بی تا: ۷۸۹؛ طریحی، ۴۰۶/۱؛ فیومی، بی تا: ماده «نبی»، راه نمایان و آشکار (شرتونی، پیشین؛ طریحی، بی تا: واژه «نبی»)، از جایی به جایی بیرون آمدن و بیرون شونده از مکانی به مکانی (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۵۹۱؛ شرتونی، پیشین)، نشانه‌ای از نشانه‌های زمین (زبیدی، پیشین؛ شرتونی، پیشین) آمده است. از مجموع معانی نبی، مثل: محل مرتفع، خبر، راه نمایان و روشن و از جایی به جایی بیرون آمدن، با باب نبوت تناسب دارند. از این رو صاحب مجمع البحرین می‌نویسد: «نبی را به این دلیل نبی می‌گویند که دارای رفعت معنوی بر دیگر افراد بشر است» (طریحی، بی تا: ۴۰۶/۱) یا از چیزهایی که خرده‌های وارسته و عقل‌های پاک به آن توجه دارند خبر می‌دهد (راغب اصفهانی، بی تا: ۲۸۳). در قرآن این معنی لحاظ شده است: «نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (حجر: ۴۹)؛ به بندگان من خبر ده که فقط من مغفور رحیمم.

از نظر اصطلاحی، تعاریفی که ارائه شده است همگی از نقاط مثبت و منفی برخوردارند که به دو تعریف که مکمل همدیگرند اکتفا می‌کنیم. مرحوم بحرانی گفته است: «نبی، انسانی است که برای اصلاح مردم در معاش و معادشان مأموریت آسمانی دارد. او عالم به کیفیت اصلاح مردمان و بی‌نیاز از علوم آنان است؛ دستوره‌های او آسمانی است و به واسطه‌ای بشری در گرفتن آن نیاز ندارد» (بحرانی، ۱۳۹۸: ۱۲۲). این تعریف از جامعیت خوبی برخوردار است؛ زیرا با قید انسان، «ملک» را، با قید عدم واسطه بشر بین او و خدا، «امام معصوم» را، با قید بی‌نیازی از علوم مردم، «علما و دانشمندان» را و با قید آسمانی، «قوانین بشری» را خارج نمود. تعریف دیگر این است: «نبی در اصطلاح قرآن و حدیث، کسی است که از سوی خداوند، وحی دریافت می‌کند» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۷۲/۹). قید دریافت وحی می‌تواند نقیصه تعریف بحرانی را - که فقط رسول را شامل می‌شد - جبران کند؛ زیرا دریافت وحی، شامل رسول و نبی با هم می‌شود.

۱-۴-۲. رسالت و رسول

رسول در لغت به معنای: پیک، مأمور مخفی، فرستاده، پیام‌آور، فرستادن، تسلیط و فرستاده شده، آمده است (آذرتاش آذرنوش، ۱۳۸۴: ۲۳۵؛ راغب اصفهانی، بی تا: ۳۵۳). رسالت در

لغت به معنای فرستادن است و جمع آن، رُسُل به معنای فرستاده است (همان)؛ اما از نظر اصطلاحی برخی مثل علامه طباطبایی گفته‌اند: رسول کسی است که پیام الهی را از طریق وحی خدای تعالی دریافت می‌کند و آن پیام این است که: ای رسول! بشر را انداز کن و بشارت ده و به سوی این هدف دعوت کن (طباطبایی، بی‌تا: ۲۰۷/۱۰).

۱-۴-۳. تفاوت رسول و نبی

یکی از فرق‌های میان نبی و رسول این است که رسول باید دارای شریعت باشد، خواه شریعت آغازین، مانند حضرت آدم یا شریعتی که ناسخ شریعت‌های پیشین باشد، مانند رسول گرامی اسلام ﷺ. تفاوت دیگر این است که «نبی کسی است که تکالیف خودش را در خواب می‌بیند و صدا را می‌شنود، ولی فرشته را نمی‌بیند؛ اما رسول کسی است که صدای ملک را می‌شنود و در خواب می‌بیند و ملک را نیز مشاهده می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۳/۳).

۲. بررسی روایات تعیین‌کننده انبیا

۱-۱-۲. ذکر تعداد خاص انبیا

برخی روایات برای پیامبران، آمار مشخصی را بیان می‌دارند که خود آنها نیز از هماهنگی و انسجام برخوردار نیستند و هر کدام عدد خاصی را مطرح می‌کنند که مخالف دیگری است. چند مورد از این احادیث بیان می‌شود.

۱-۱-۱-۲. صد و بیست و چهار هزار پیامبر

یکی از روایات معروف در اکثر منابع شیعه و اهل سنت، نقل ابوذر غفاری رضی الله عنه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که این‌گونه گزارش می‌دهد: خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: تعداد انبیا چند نفر بوده است؟ فرمود: «یکصد و بیست و چهار هزار نفر نبی بوده‌اند». پرسیدم: چند نفرشان رسول بوده‌اند؟ فرمود: «سیصد و سیزده نفر مجموعه‌ای پرشمار». پرسیدم: نخستین نبی چه کسی بوده است؟ فرمود: «آدم». پرسیدم: آیا حضرت آدم، نبی مرسل بوده است؟ فرمود: «آری، خداوند او را به دست خود آفرید و از روح خود در او دمید...» (میبدی، ۱۳۷۱: ۴۹۷/۸؛ ابن جزئی غرناطی، ۱۴۱۲: ۴۰۶/۱). همین حدیث را ابن کثیر و آلوسی با اندکی اختلاف، از صحابه دیگر نقل کرده‌اند (آلوسی، بی‌تا: ۳۴۰/۱۲). عدد ۱۲۴ هزار در حدیث منقول از طریق



امام رضا علیه السلام (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۱۲؛ مجلسی، بی تا: ۳۰/۱۱) و همچنین در حدیثی از امام باقر علیه السلام بیان شده است (هندی، بی تا: ۴۸۲/۱۱) در یک روایت از امام جواد نیز نقل شده که در پاسخ به عبدالعظیم حسنی فرمود: «انبیاء ۱۲۴ هزار نفر بوده‌اند» (ری شهری، ۱۳۸۶: ۴۴۳/۱۱/بخش ذوالکفل). این حدیث در منابع معتبر دیگر نیز آمده است (کامل الزیارات، به نقل از: طباطبایی، بی تا: ۲/۲۱۷؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۲۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۳۰۰ و ۶۴۱).

۲-۱-۱-۲. صد و چهل و چهار هزار پیامبر

در حدیث دیگری، عدد صد و چهل و چهار هزار پیامبر نیز آمده است، به این صورت: برخی اصحاب ما از محمد بن جعفر مؤدب نقل کرده‌اند که گفت: عده‌ای از اصحاب ما از محمد بن حسین بن ابی خطاب، از علی بن اسباط، از حسن بن زیاد، از صفوان بن مهران جمال و او از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «یا صفوان! آیا می‌دانی خداوند چند نبی مبعوث فرموده است؟». عرض کردم: نمی‌دانم. فرمود: «خداوند ۱۴۴ هزار نبی مبعوث کرد و به اندازه آنها اوصیایی را به راستگویی، ادای امانت و زهد در دنیا برگزید» (مجلسی، ۱۶/۵؛ الجزایری، بی تا: ۱۳).

۳-۱-۱-۲. هشت هزار پیامبر

در برخی احادیث، پیامبران را هشت هزار نفر دانسته‌اند. ابن کثیر و ابن حجر عسقلانی، حدیثی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: حافظ ابویعلی موصلی، از احمد بن اسحاق ابو عبدالله جوهری بصری، از مکی بن ابراهیم، از موسی بن عبیده الربذی، از یزید رقاشی، از انس بن مالک و سرانجام او از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «خداوند هشت هزار نبی را مبعوث فرمود که چهار هزار آنها به سوی بنی اسرائیل فرستاده شدند و چهار هزار دیگر آنها به جانب سایر مردم» (ابن کثیر، بی تا: ۲/۴۲۱؛ خواجه طوسی، بی تا: ۹/۹۸؛ ابن الجوزی، ۱۴۱۲: ۱۹/۴۰۹).

۴-۱-۱-۲. سیصد و بیست هزار پیامبر

مجلسی حدیثی را نقل می‌کند که پیامبران ۳۲۰ هزار نفر بوده‌اند: از احمد بن محمد بن یحیی، از پدرش، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از علی بن مظهر، از حسن بن میثمی، از رجل، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: ابوذر غفاری عرض کرد: یا

رسول الله! خداوند چه تعداد پیامبر را مبعوث گردانید؟ پیامبر ﷺ فرمود: «سیصد و بیست هزار پیامبر». سپس گفت: یا رسول الله! رسولان چند نفر بودند؟ فرمود: «سیصد و هفده نفر...» (مجلسی، ۱۶/۵).

۲-۱-۱-۵. چهار هزار پیامبر

برخی از اهل سنت، حدیث حاوی چهار هزار پیامبر را نقل کرده‌اند: از ابو هریره نقل شده که گفت: از پیامبر ﷺ پرسیدم: برای هر نبی، وصی و نوه است؛ وصی و سبط شما چه کسی است؟ فرمود: «خداوند چهار هزار نبی مبعوث فرمود و آنها چهار هزار وصی داشتند و هشت هزار نوه...» (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۹: ۴۲۱؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۸۰ و ۸۱).

۲-۱-۱-۶. نقد و بررسی احادیث

در مجموع، پنج دسته روایت وجود داشت که در این جا از نظر سند و اعتبار، به نقد و تحلیل آنها می‌پردازیم.

الف) ناسازگاری احتمالی با قرآن

روایات یادشده در ضمن این که برخی از آنها از قدرت و اعتبار نسبی برخوردارند، اما این امکان وجود دارد که همگی آنها با آیات ذیل ناسازگار باشند:

- «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ» (غافر: ۷۸)؛ ما پیش از تو رسولانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگو کرده‌ایم و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم.

- «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَجْتَنَّبُوا الطَّاعُوتِ» (نحل: ۳۶)؛ ما در هر امتی رسولی فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از طاعوت اجتناب کنید.

- «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر: ۲۴)؛ ما تو را به حق برای بشارت و انذار فرستادیم و هر امتی در گذشته، انذارکننده‌ای داشته است.

- «وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ» (زخرف: ۶)؛ چه بسیار از پیامبران را که [برای هدایت] در اقوام پیشین فرستادیم.

- «وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ



الْمُنِيرِ﴾ (فاطر: ۲۵)؛ اگر تو را تکذیب کنند، کسانی که پیش از ایشان بوده‌اند نیز پیغمبرانشان را که با معجزه‌ها و پیام‌ها و کتاب روشن به سویشان آمده بودند، تکذیب کردند.

ناسازگاری روایات با این آیات بدین شکل است: آیات یادشده و مشابه آنها، تعداد انبیا را محصور به رقم خاص ندانسته و به صورت مبهم و نامشخص اشاره کرده‌اند. بدین معنا که پیامبران دیگری نیز مبعوث شده‌اند که در قرآن، ذکری از آنان به میان نیامده است؛ یعنی با وجود این که در مشخص و نامشخص بودن عدد پیامبران ساکت است، اما در ابهام و اجمال آن، تردیدی نیست؛ لذا امکان دارد عدد آنها یکی از مواردی باشد که در احادیث بالا ذکر شد و یا هیچ کدام از آنها نباشد؛ بلکه یک عدد متفاوت از آنها باشد، یعنی تعداد، نامشخص است. به تدریج روشن خواهد شد که به جز حدیث ابوذر، بقیه از نظر سندی و غیر سندی قابل اعتنا و اعتبار نیستند، لذا با قبول کردن حدیث منقول از ابوذر، امکان مقابله و مخالفت این روایت با آیات یادشده وجود دارد. همان طور که تفتازانی در ضمن نقل حدیث ۱۲۴ هزار گفته است: لکن بعضی از علما ذکر کرده‌اند که سزاوار است به عدد [خاص] انبیاء اکتفا نشود؛ [به سه دلیل، اولاً] زیرا خبر واحد، بر فرض دارا بودن تمام شرایط اعتبار، باز هم جز افاده ظن نمی‌کند که گمان جز در امور عملی اعتبار ندارد [و در مسایل اعتقادی باید علم و یقین باشد] و [ثانیاً] در این جا محصور و محدود کردن عدد انبیاء [به شمارش خاص]، خلاف ظاهر آیات است. [ثالثاً] امکان دارد که خلاف واقع باشد، یعنی اثبات کند نبوت را برای کسی که نبی نیست، اگر عدد انبیاء در واقع کمتر از ۱۲۴ هزار نفر باشد و نبوت را از کسی نفی کند که در حقیقت او نبی بوده است اگر عدد پیامبران بیشتر از آن باشد که در حدیث ذکر شده است. پس بهتر است عددی را برای آنها تعیین نکرد (تفتازانی، بی تا: ۶۲/۵).

عدم اقبال علامه طباطبایی نسبت به تعداد انبیا در روایات نیز از عبارتش قابل استنباط است، آن جا که می‌فرماید: آنچه در تاریخ گذشتگان نقل شده، این است که انبیای زیادی فرستاده و مبعوث شده‌اند و قرآن و فور انبیا را تأیید می‌کند و اسامی برخی از آنها را بیان کرده است، نهایت این که به عدد آنها تصریح نفرموده است و از روایات، عدد انبیا به طور قطع به دست نمی‌آید، جز این که روایت معروف ابوذر غفاری از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که در آن،

عدد انبیاء را ۱۲۴ هزار پیامبر بیان داشته است (طباطبایی، بی تا: ۱۳۹). از این عبارت علامه که: «از روایات، عدد انبیا به طور قطع به دست نمی آید»، عدم اطمینانش به عدد مشخص قابل فهم است و حدیث ابوذر را نیز فقط ذکر کرده، اما تأیید و یا رد نکرده است. لذا امکان دارد که جانب آیات را ترجیح داده باشد.

نقد بر دیدگاه تفتازانی

اشکال تفتازانی بر حدیث ابوذر رضی الله عنه وارد نیست؛ زیرا اولاً حدیث صحیح است و به طرق مختلف نقل شده است؛ پس خبر واحد نیست. دوم این که دلالت روایات، مبین و دلالت آیات، مبهم است، در مقام تعارض میان مبین و مجمل، مبین مقدم است و مقصود آیات را روشن می کند (البته در صورتی که شهرت را در حدی بدانیم که مجوز بیان اجمال آیات باشد). سوم این که اینها با هم تنافی ندارند؛ چرا که آیات، بیانگر اصل ارسال رسل برای هر قومی است و روایات، تعداد آنها را مشخص می کنند. چهارم این که یقین اختصاص به اصول اعتقادی ندارد؛ بلکه فروع اعتقادی نیز باید از روی یقین به دست آید. پنجم این که با وجود معتبر بودن حدیث، احتمال کم یا زیاد بودن تعداد انبیا نسبت به ۱۲۴ هزار پیامبر بر طرف می شود. ششم این که در بخش خبر واحد اشاره خواهد شد که معرفت، منحصر به علم نیست؛ بلکه ظن را نیز شامل خواهد شد. پس می شود به آن اعتنا کرد. هفتم این که آن جا که گفت «امکان دارد که خلاف واقع باشد، یعنی اثبات کند نبوت را برای کسی که نبی نیست»، این جمله، ناظر بر تعیین مصداق است و روایت، تعیین تعداد می کند و در مقام مشخص کردن مصداق نیست و این دو عبارت، با هم متفاوت اند.

ب) خبر واحد

اکثر این احادیث، خبر واحد و فاقد شرایط اعتبارند که حد اکثر، مفید ظن خواهد بود و ظن نمی تواند از اعتبار و اطمینان کافی برخوردار باشد: ﴿إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً﴾ (یونس: ۳۶). یعنی با صرف گمان نمی توان اعتماد پیدا کرد که این احادیث از معصوم صلی الله علیه و آله صادر شده باشد. در جای دیگر قرآن نیز آمده است: ﴿إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ﴾ (انعام: ۱۴۸). شما فقط از پندارهای بی اساس پیروی می کنید و تخمین های نابجا می زنید. ابن خلدون



نیز اعتماد به خبر واحد را خطای بزرگ مورّخان، مفسّران و راویان دانسته و گفته است: «اکثر مورّخان و مفسّران و پیشوایان نقل، در بیان حکایات و رخدادها، دچار اشتباهات زیادی شده‌اند؛ زیرا ایشان بر صِرَف نقل - اعم از صحیح و سقیم - اعتماد کرده و آن را بر اصولش عرضه نداشته‌اند؛ از این رو از حق، گم‌راه شده، در وادی وهم و اشتباه حیران گشته‌اند» (ابن خلدون، بی تا: ۹).

نکات قابل تأمل در خصوص خبر واحد

استناد به آیه ﴿ان یتبعون الا الظن...﴾ و عبارت ابن خلدون درباره حدیث ۱۲۴ هزار پیامبر، از دو جهت مخدوش است: اولاً ظن به معنای توهم و شک (ابن فارس، ۱۳۹۱: ۶۴۲/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱/ ۵۳۹) - که آیه یادشده و عبارات ابن خلدون به آن اشاره دارند - به حدیث خدشه وارد نمی‌کند؛ زیرا ظن در حدیث ابوذر غفاری، مشهور و از نگاه سندی، صحیح است. بنابراین ظن خاص و دارای حجّیت است. ثانیاً ظن معتبر و خاص می‌تواند حتی در اعتقادات، جایگزین علم شود؛ زیرا شناخت، مقدّمه تدبّر است و معرفت هم منحصر به علم نیست، بلکه ظن معتبر را نیز شامل می‌شود؛ چرا که ظن، همه عناصر معرفت حاصل از علم را - که عبارت‌اند از: باور، صدق و موجه - دارا است به این دلیل که اولاً فراتر از شک است، پس باور تلقی می‌شود. ثانیاً امکان صدق در آن وجود دارد، به دلیل این که احتمال خلاف در آن بسیار ضعیف است، در نتیجه، ارزش معرفتی دارد که به آن اعتنا کرد. ثالثاً ظن خاص از نظر عقلاً از جمله روش‌های موجه و معقول است. پس می‌شود آن را در اعتقادات نیز معتبر دانست؛ چرا که ملاک اعتبار این ظنون یا سیره عقلاست و یا ادله شرعی مثل خبر واحد (برنجکار، ۱۳۹۱: ۷۶ - ۷۸؛ نصرتیان ۱۳۹۳: ۷۲). با این وجود می‌توان به آن اعتماد و اطمینان کرد و به آن ترتیب اثر داد.

ج) ناسازگار با احادیث مشخص نبودن تعداد

این احادیث، ظاهراً با روایات بیان‌کننده عدم تعیین تعداد مشخص پیامبران، مخالف هستند. این ناهماهنگی یکی از نقاط ضعف روایات خواهد بود. البته می‌توان آنها را از باب اجمال و تفصیل با هم جمع کرد؛ یعنی احادیث عدم تعیین، حالت اجمال را دارد و تنها روایتی

که اعتبار نسبی دارد (روایت ابوذر) در مقام تفصیل است و سایر روایات - که بعداً اشاره خواهد شد، فاقد اعتبار هستند)، صلاحیت مقابله با روایات عدم تعیین تعداد مشخص را ندارند، اما این توجیه نیز قابل خدشه است؛ چرا که به صرف شهرت روایت نمی‌توان آن را مبین مقصود آیات دانست؛ چرا که آیات را فقط با روایات صحیح و متواتر می‌توان تخصیص یا منظور آن را بیان و روشن کرد.

د) ضعف سند

۱. روایت عدد ۱۲۴ هزار که توسط آلوسی و ابن کثیر نقل شد، ضعیف است؛ چرا که در سلسله سند آن، معان بن رفاعه السلامی و علی بن یزید قرار دارند که افراد ضعیف هستند. ابن کثیر نیز به آن اشاره کرده و آن دورا ضعیف دانسته است (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۵۲/۲). البته روایت ۱۲۴ هزار منقول توسط جناب ابوذر غفاری همان‌طور که بیان شد، دارای شهرت و اعتبار است و این حدیث (منقول توسط آلوسی و ابن کثیر) به آن آسیب نمی‌زند. ابن کثیر در مورد حدیث یادشده اظهار داشته است: «و سیاق روایة الإمام أحمد أثبت و أولى بالصحة، و رجال إسناد هذا الحدیث لا بأس بهم» (همان). علامه طباطبایی نیز این حدیث را جزء احادیث مشهور دانسته و فرموده: این روایت که مخصوصاً صدر آن متعرض عدد انبیا و مرسلین است، از روایات مشهور است که هم شیعه آن را نقل کرده و هم اهل سنت در کتب خود نقل کرده‌اند و این معنا را صدوق در خصال و امالی از حضرت رضا علیه السلام از آباء گرامش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و از زید بن علی علیه السلام از آباء گرامش از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است؛ ابن قولویه هم در کامل الزیارة، و سید در اقبال از امام سجاد علیه السلام و در بصائر از امام باقر علیه السلام نقل کرده‌اند (طباطبایی، بی تا: ۲/۲۱۷). حدیث ۱۴۴ هزار نیز خبر واحد است و بعضی بزرگان نیز بر آن ایراد گرفته‌اند (قرطبی، بی تا: ۷/۲۲۶ و ۲۲۷).

۲. همچنین روایت عدد هشت هزار فاقد ارزش است؛ زیرا در عین خبر واحد بودن، ضعیف‌السند است. ابن کثیر بعد از نقل این حدیث، آن را مردود می‌شمارد و می‌گوید: این روایت از نظر سند ضعیف است؛ زیرا موسی بن عبیده الربذی، فرد ضعیف است و استاد او، رقاشی ضعیف‌تر از خود اوست و خداوند داناتر است (ابن کثیر، ۱۹۸۶: ۴۱۸).



۳. حدیث عدد ۳۲۰ هزار، چند ایراد دارد: اولاً با حدیث ۱۲۴ هزار ناسازگار است. چگونه ممکن است هر دو حدیث توسط ابوذر غفاری از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده باشد و پیامبر ﷺ دو رقم کاملاً متفاوت را برای ابوذر گفته باشد؟! این نشان می‌دهد که یکی از این دو حدیث نادرست است. از آن‌جا که حدیث ۱۲۴ هزار صحیح و مستفیض است و حدیث ۳۲۰ هزار، ویژگی‌های آن را ندارد، پس بدیهی است که این حدیث در برابر آن نمی‌تواند مقاومت کند و مردود است. ثانیاً خبر واحد است و فاقد شرایط اعتبار؛ زیرا این روایت فقط در الاختصاص شیخ مفید نقل شده و مرحوم علامه مجلسی نیز در بحار الأنوار آن را از الاختصاص نقل کرده است.

ه) ناهماهنگی در روایات

یکی از نقاط ضعف روایات، ناهماهنگی، اضطراب و اختلاف در گزارش تعداد انبیاست که در آنها مشاهده می‌شود، هر روایت، رقم ویژه خود را ذکر کرده است که نمی‌شود همه را پذیرفت؛ زیرا باعث تناقض و تضاد می‌شود و در صورت اخذ یکی و طرد سایر روایات، نیاز به جرح و تعدیل آنهاست تا به حدیث مطمئن‌تر دست یابیم. از آن‌جا که در میان احادیث مورد نظر، فقط روایت ۱۲۴ هزار منقول توسط جناب ابوذر از اعتبار و وثاقت بیشتر برخوردار است، لذا می‌توان فقط آن را اخذ کرد و بقیه را طرد نمود.

۲-۱-۲. عدم ذکر تعداد انبیا

علاوه بر روایاتی که عدد انبیا را مشخص می‌کنند، روایات دیگری نیز وجود دارند که بدون تعیین عدد خاصی، به مبعوث شدن پیامبران زیادی در طول تاریخ اشاره کرده‌اند که در این‌جا بعضی از آن روایات را یادآور می‌شویم.

۱. امیر مؤمنان علی علیه السلام: «خداوند متعال، پس از مرگ آدم، زمین را از حجت خالی نگذاشت و میان فرزندان آدم و شناسایی خود، پیوندی برقرار کرد، قرن به قرن حجت‌ها و دلیل‌ها را بر زبان پیامبران برگزید و حاملان رسالت خویش را برای آنها اقامه کرد تا این که به وسیله پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله حجتش تمام گردید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷/۹۱).

۲. امیر مؤمنان علی علیه السلام: «هر گاه یکی از آنان (پیامبران) درگذشت، دیگری برای پیش‌برد

دین خدا به پا خاست تا این که کرامت اعزام نبوت از طرف خدای سبحان، به حضرت محمد ﷺ رسید ... خدا او را زمانی مبعوث فرمود که با زمان پیامبران گذشته فاصله طولانی داشت» (همان، خطبه ۱۳۳/۹۴).

۳. امیر مؤمنان علی ﷺ: «خداوند رسولانش را در میان انسانها مبعوث ساخت و پیامبرانش را پی در پی به سوی آنها فرستاد تا وفای به پیمان فطرت را از آنها بخواهند و نعمت‌های فراموش شده او را یادآوری نمایند و با ابلاغ دستورهای او حجت را بر آنها تمام کنند و گنج‌های پنهانی عقل‌ها را برای آنها آشکار سازند و آیات قدرت خدا را به آنها نشان دهند» (همان).

۴. ابو حمزه ثمالی از حضرت امام محمد باقر ﷺ روایت کرده است که فرمود: «سوگند به خدا که خداوند از روزی که آدم ابو البشر را به سوی خود بُرد، هیچ گاه زمینی از زمین‌ها را بدون امامی که مردم را به سوی خدا رهبری کند و حجت او بر بندگانش بوده باشد خالی نگذارده است، و هیچ گاه زمین، بدون امامی که حجت بر بندگانش باشد باقی نخواهد بود» (حرّ عاملی، ۱۴۲۲: ۱۰۳/۱؛ مجلسی، ۲۹۷/۲).

البته بر اساس معنای لغوی آن - که به معنای پیشوا و راهبر - شامل پیامبران نیز می‌شود؛ همان‌طور که خداوند، حضرت ابراهیم را امام بین مردم قرار داده است: ﴿قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ (بقره/۱۲۴)؛ فرمود: من تو را امام و رهبر و پیشوای مردم قرار دادم.

۵. امیر مؤمنان علی ﷺ: «بدانید که زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نیست و اگر زمین حتی به اندازه یک ساعت از حجت خدا خالی باشد، زمین اهلش را به خود فرو می‌برد» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۲: ۱۵۴/۵).

از آن‌جا که روایت تمام حجت‌های الهی در روی زمین (شامل ائمه معصومین) از بدو خلقت تا پایان دنیا را بیان می‌دارد، لازم است اشاره شود که شامل تعداد رسولان نیز می‌شود؛ زیرا آنها سرسلسله حجت خدا در میان بندگانش بودند.

۶. امام سجاد ﷺ در فرازی از دعایش: «در هر روزگار و زمانی که در آن پیامبری فرستادی، از زمان آدم تا محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - و برای اهل آن دلیل و راهنمایی گماشتی» (عزیزی، ۱۳۸۴: ۵۰).



۷. حضرت امام باقر علیه السلام: «در فاصله میان آدم تا نوح، انبیا و پیغمبرانی پنهان و مخفی بوده‌اند که نام آنها در قرآن برده نشده و مانند پیغمبرانی که علنی بوده و نامشان بیان شده، ذکری از ایشان به میان نیامده است (بروجردی، بی تا: ۶/۱۴۴).

۳-۱-۲. تحلیل و بررسی روایات

اولاً این روایات، شبیه آیات قرآن، در مقام بیان تعداد انبیا نیستند؛ اما همین که گفته پیامبران زیادی آمده‌اند و تعداد آنها را مشخص نکرده‌اند، در حکم عدم تعیین عدد آنهاست. لذا می‌شود آنها را در زمره روایات مطلق قرار داد. ثانیاً عمده‌ترین امتیاز این احادیث، سازگاری با محتوای آیات قرآن است که به صورت مطلق به مبعوث شدن پیامبران فراوانی در طول قرون در جامعه بشری اشاره دارد. در احادیث یادشده، نکاتی از قبیل: خالی نبودن زمین از حجت خدا، آمدن پی‌درپی پیامبران در میان مردم تا دوران خاتم نبوت و اتمام حجت اشاره شد که کاملاً هماهنگ با آیات قرآن است؛ چرا که قرآن نیز مبعوث شدن پیامبران را اتمام حجت قلمداد می‌کند و می‌فرماید: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ (نساء: ۱۶۵)؛ ما پیامبران را بشارت‌دهنده به رحمت و پاداش الهی و اندازکننده از کیفرهای الهی قرار دادیم تا اتمام حجت بر آنها شود و بهانه‌ای نداشته باشند.

در سوره فاطر باز هم این مسئله را تذکر می‌دهد و پیامبرش را خطاب می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ (فاطر: ۲۴)؛ ما تو را به حق برای بشارت و انداز فرستادیم و هیچ امتی در گذشته نبود مگر این که اندازکننده‌ای داشت.

در جای دیگر قرآن، بعثت مستمر پیامبران را گوشزد می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا﴾ (مؤمنون: ۴۴)؛ سپس رسولان خود را یکی بعد از دیگری فرستادیم.

در حدیث هفتم، امام باقر علیه السلام به واقعیتی اشاره کرده که در سوره غافر، دقیقاً همان بیان شده است: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ﴾

(غافر: ۷۸)؛ ما پیش از تو رسولانی فرستادیم که سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگو کرده‌ایم و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم.

ثالثاً این روایات، از اعتبار و معیارهای احادیث صحیحیه برخوردارند؛ زیرا تعدادی از آنها بخشی از خطبه‌های حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه است که در بین شیعه و اهل سنت، کتاب معروف و ارزشمندی است. رویکرد عمومی و نیز توجه عالمان برجسته شیعه و سنی به کتاب نهج البلاغه و فراوانی نسخه‌های آن و نیز شرح‌های متعدد آن در میان اندیشمندان شیعه و سنی، همگی دلیلی استوار بر اعتبار نهج البلاغه است. حدیث منقول از صحیفه سجادیه نیز کاملاً صحیح و معتبر است؛ زیرا صحیفه سجادیه هم مثل نهج البلاغه از شهرت و اعتبار بسیار بالایی بین بزرگان اهل سنت و شیعه برخوردار است. احادیث دیگر نیز از منابع خاصه نقل شد که خود، امتیاز مهمی محسوب می‌شود. پس این روایات از لحاظ سندی (با وجود آمدن در کتاب‌های معتبر مثل نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و غیره) نسبت به روایت‌هایی که مربوط به ارقام و آمار خاص انبیا بودند، برتری دارند؛ زیرا اولاً در بین آنها فقط روایت ۱۲۴ هزار پیامبر که ناقل آن ابوذر بود اعتبار داشت و بقیه به دلیل خبر واحد بودن، ضعف سند برخی، ناسازگاری با هم و ... مخدوش و ضعیف بودند. در حالی که بیشتر روایات این بخش، صحیح هستند. ثانیاً موافق با آیات قرآن‌اند؛ یعنی مانند آنها در مقام بیان ارسال پیامبران برای هر قوم و ملت هستند. پس نمی‌توان روایات حصر تعداد معین را به جز روایت ابوذر غفاری - که معتبر و مشهور و دلالتش مبین است - بر روایات عدم تعیین ترجیح داد.

۳. نتیجه‌گیری

با بررسی و نقد روایات معین و عدم معین تعداد انبیا به این نتیجه می‌رسیم که نمی‌توان به عدد خاص و دقیق انبیاء الهی که از دوره خلقت آدم تا زمان حضرت خاتم صلوات الله علیه برای هدایت و راهنمایی بشر مبعوث شده‌اند اذعان کرد؛ چرا که همه احادیث مربوط به عدد خاص، فاقد اعتبار و اطمینان بود، جز روایت منقول از نبی اکرم صلوات الله علیه توسط جناب ابوذر غفاری که عدد ۱۲۴ هزار را بیان کرده بود که از اعتبار و شهرت میان شیعه و سنی برخوردار است. البته شهرت هم آن قدر توانایی ندارد که با آیات و روایاتی که در مقام بیان تعداد انبیا نیستند، مقابله و مقاومت



نماید. به عبارت دیگر، آیات و روایاتِ عدم تعیین را مورد مذاقه قرار دادیم که هر چند آنها در مقام بیان تعداد انبیا نیستند، اما همین قدر که اشاره کرده‌اند پیامبران فراوانی در طول تاریخ آمده‌اند و به جز تعداد اندکی، هیچ اسمی از آنها به میان نیاورده، حاصل آن، ابهام و ابهام و عدم تشخیص تعداد انبیا خواهد بود و بدین لحاظ می‌توان آنها را در زمره آیات عدم تعیین عدد خاص قرار داد. روایات عدم تعیین نیز مانند آیات در مقام بیان عدد پیامبران نبودند و دارای ابهام و اجمال بودن تعداد را می‌رساند. بدین جهت به یک نتیجه مشخص که پیامبران چه تعداد افراد بودند نرسیدیم.



کتاب نامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن الجوزی، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا.
۲. ابن خلدون، (۱۳۶۳ ش)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۹۸۶م)، البداية و النهاية، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۵. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۴ ش)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
۶. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی، (۱۳۹۸ ش)، قواعد المرام فی علم الکلام، قم: مخطوطات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۷. بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول.
۸. برنجکار، رضا، (۱۳۹۱ ش)، روش شناسی علم کلام، قم: دارالحدیث.
۹. بروجردی، محمد ابراهیم، (بی تا)، تفسیر جامع، تهران: کتابخانه صدر.
۱۰. بستانی، بطرس، (۱۹۹۳ م)، محیط المحيط، لبنان: مکتبه ناشرون.
۱۱. الجزائری، سید نعمت الله، (۱۴۰۴ق)، نور المبین فی قصص الأنبياء، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۱۲. حمصی، رازی، (بی تا)، المنقذ من التقليد، قم: موسسه نشر اسلامی.



۱۳. خرازی، محسن، (۱۴۱۸ق)، بداية المعارف إلهية في شرح عقايد الامامية، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۱۴. خزان، قمي، (۱۴۰۱ق)، كفاية الأثر، تحقيق: سيد عبد اللطيف حسني، قم: انتشارات بيدار.
۱۵. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، (۱۴۰۴ق)، المفردات في غريب القرآن، بي جا: نشر الكتاب.
۱۶. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، (بي تا)، المفردات في غريب القرآن، بيروت: دارالشامية.
۱۷. ميدي، رشيدالدين احمد بن ابى سعد، (۱۳۷۱ش)، كشف الأسرار و عده الأبرار، تحقيق: على اصغر حكمت، تهران: انتشارات اميركبير، چاپ پنجم.
۱۸. رضايي اصفهاني، محمد علي، (۱۳۸۵ش)، پرسش ها و پاسخ های قرآنی، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی، چاپ اول.
۱۹. زيدي، محمد مرتضى، (۱۳۰۶ش)، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت: دار مكتبة الحياة.
۲۰. رياض، زكى قاسم، (بي تا)، المعجم العربي، بيروت: دارالمعرفة.
۲۱. سبحاني، جعفر، (۱۳۸۷ش)، راهنمای حقيقت، تهران: نشر مشعر، چاپ پنجم.
۲۲. سبحاني، جعفر، (بي تا)، محاضرات في الإهيات على هدى للكتاب و السنة و العقل، قم: المركز العالمي للدراسات الاسلامية.
۲۳. شرتوني، سعيد، (بي تا)، اقرب الموارد في فصح العربية الشوارد، بي جا: دار الأسوه.
۲۴. نعمه، عبد الله، (بي تا)، عقيدتنا في الخالق و النبوة و الآخرة، بيروت: مؤسسة عزالدين، چاپ سوم.
۲۵. صفار، محمد بن الحسن، (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

۲۶. طباطبایی، محمدحسین، (بی تا)، ترجمة تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات.

۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرين، تهران: بی نا.

۲۸. طوسی، محمد بن الحسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۹. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۲۲ق)، إثبات الهداة، بیروت: مؤسسة الأعلمی، چاپ اول.

۳۰. عزیزى، عباس، (۱۳۸۴ش)، متن کامل و ترجمة صحیفه کامله سجادیه، تهران: انتشارات صلاة، چاپ دوم.

۳۱. عسکری، مرتضی، (۱۳۶۸ش)، عقاید اسلام در قرآن کریم، ترجمه: عطاء محمد سردارنیا، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.

۳۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، قاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیة.

۳۳. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: دارالهجرة.

۳۴. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.

۳۵. قوشجی، علاء الدین، (۱۳۸۵ش)، شرح تجرید العقاید، بی جا: منشورات رضی، بیدار و عزیزى.

۳۶. کاشفی، محمدرضا، (۱۳۹۱ش)، امام شناسی، قم: دفتر نشر معارف.

۳۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، قم: داراحیاء التراث العربی.

۳۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم.

۳۹. محمّدى رى شهرى، محمّد، (۱۳۸۶ ش)، ميزان الحكمة، ترجمه: حميدرضا شيخى، قم: دارالحديث.
۴۰. مدرسى، سيد محمّد تقى، (۱۴۱۹ق)، من هدى لقرآن، تهران: دارمحبى الحسين، چاپ اول.
۴۱. معلوف، لويس، (۱۹۴۹ق)، المنجد، بيروت: نيسان.
۴۲. مقدس اردبيلى، احمد بن محمّد، (۱۴۱۹ق)، الحاشية على إلهيات الشرح الجديد للتجريد، قم: دفتر تبليغات اسلامى، چاپ دوم.
۴۳. مقدسى، ابو عبد الله محمد بن احمد، (۱۴۱۱ق)، أحسن التقاسيم فى معرفة الأقاليم، القاهرة: مكتبة مدبولى، چاپ سوم.
۴۴. مكارم شيرازى، ناصر، (۱۴۲۶ق)، نفحات القرآن، قم: مدرسة الامام على بن ابى طالب عليه السلام، چاپ اول.
۴۵. مكارم شيرازى، ناصر، (۱۳۷۹ ش)، الأمثل فى تفسير كتاب الله المنزل، قم: مدرسة الإمام على بن أبى طالب عليه السلام، چاپ اول.
۴۶. نصرتيان اهور، مهدى، (۱۳۹۳ ش)، «اعتبار ظن در اعتقادات»، مجله اندیشه نوين دينى، ش ۳۹.
۴۷. نعمانى، محمد بن ابراهيم، (۱۳۹۷ق)، الغيبة، تهران: نشر صدوق، چاپ اول.

